



سیدمقداد نبوی رضوی

روزگار رهبری صبح ازل بر تمام بایان (۱۲۶۶ تا ۱۲۸۳ ق.)، با وجود تبلیغ پنهانی مقام الهی خویش، در ظاهر خود را مطیع تام و تمام صبح ازل نشان می داد و در سال ۱۲۷۸ ق. ظهور من بظهره الله را در سال ۲۰۰۱ پس از ظهور باب گفته بود، پنج سال بعد ظهور کرد و صبح ازل را «یحیای خبیث» و «مظهر ضلالت» و... خواند و حتی در آموزه تحریف شده مهدویت از سوی باب. که بر وفات امام دوازدهم و ظهور مقام قائمیت و مهدویت در شخصی دیگر (باب) دست می گذاشت. تحریفی دیگر صورت داد و امام یازدهم شیعیان را بی فرزند گفت و نایبان چهارگانه عصر غیبت صغری را سازندگان آن «حضرت موهوم» نمایاند!

از آن سوی، برخی از بزرگان ازلیان که با بهاء الله مخالفت کرده و با نگارش ردیه به رویارویی فکری با او و پیروانش پرداخته بودند و آیین بیان را منسوخ نشده گفته و حق را با صبح ازل می دانستند، از سوی پیروان بهاء الله و گاه با دستور خود او به قتل رسیدند، کسانی چون سید محمد اصفهانی، ملا رجبعلی قهیر، ملا علی محمد سراج، سید علی عرب، ابوالقاسم کاشانی و...

بهاء الله، پیش از آشکاری ادعای دعوت جدید خود، کتابی با نام «ایقان» نگاشت و به اثبات مقام قائمیت، مهدویت و رسالت برای باب پرداخت و صبح ازل را «کلمه مستور» خواند و خود را فدایی اش گفت. این کتاب اکنون کتاب مقدس پیروان اوست و «وحی خداوند» بر او دانسته شود؛ با این حال، دیده می شود که او در آن کتاب مقدس، در موارد بسیار، آیات قرآن را به نادرستی نوشته، واژگان عربی را غلط آورده و واژگان فارسی را نیز ناهمگون نگاه داشته است. این نادرستی های بسیار را در نسخه های خطی گوناگون آن کتاب و نیز در نخستین نسخه چاپی آن. که در زمان حیات او انجام شد. می توان دید، اما از چاپ دوم آن کتاب. که یک سال پس از وفات او صورت گرفت. تمام آیات نادرست نوشته شده قرآن و اکثر قریب به اتفاق غلط نویسی های عربی و فارسی او درست شدند و «کلمه مستور» نیز با تبدیل شدن به «کلمه علیا» به حذف صبح ازل از حافظه تاریخی بهائیان یاری رساند! اینجاست که باید از پیروان بهاء الله پرسید: اگر این دست سخنان کتاب ایقان وحی خداوند بودند، چرا نادرست نازل شدند؟! چرا خداوند آیات کتاب مقدس پیشین خود (قرآن) را نادرست نازل کرد و واژگان عربی و فارسی را نادرست گفت؟! و اگر خداوند خواسته بود



فاطمه برغانی فروینی  
(طاهره قره العین)

طرح منتسب به طاهره قره العین. شاعر، خطیب، مجتهد و محدث و از نخستین مریدان سید علی محمد باب، نخستین کسی که به حسینعلی نوری لقب «بهاء» داد.

آنها را نادرست نازل کند، چرا شما درست شان کردید؟! آیا این یک پارادوکس بنیادین و تناقضی آشکار نیست؟!

همچنین، باید دانست که بهاء الله برخی روایت های شیعی مانند «حدیث لوح» را عامدانه تحریف کرده و با انداختن نام امام دوازدهم از متن اصلی آن، توصیفی از ظهور باب و سختی های پیروان او جلوه اش داده است. کتاب «بزرگبردر شرح دزد بگیر» کتابی است که این دست تحریف های عامدانه بهاء الله و پیرو برجسته اش، میرزا ابوالفضل گلپایگانی، را نشان داده است!

بهاء الله در زمان اطاعت ظاهری از صبح ازل، در سال ۱۲۷۸ ق. (سال هجدهم ظهور باب)، نوشت که من بظهره الله در سال ۲۰۰۱ از ظهور باب ظهور خواهد کرد اما ۵ سال بعد خود را من بظهره الله خواند و وقتی با اشکال پیروان صبح ازل مواجه شد، به تأویل روی آورد و گفت که دوهزار سال در این چند سال گذشت؛ با این حال، در کتاب وصیت خود نوشت که تا هزار سال پس وفاتش هیچ دینی نازل نخواهد شد و شریعت الهی در آیین بهائی خواهد بود و کسی حق ندارد این هزار سال را تأویل کند! آیا با این کار نمی خواست از همان بلایی که باب بر سر اسلام آورد و خود او بر سر باب آورد، پیش گیری کرده و جانفشینانش را از خطری محتمل اما بزرگ رهانیده باشد؟

جانشین او، عباس افندی، از زمان حیات او با پیروان مهاجر به فلسطین ارتباط داشت و برای شان از مسلمانان زمین می خرید. ۳۰ سال بعد، در زمان جنگ جهانی اول، حکومت عثمانی می خواست او را اعدام کند، چرا که جاسوس دشمنش می دانست. پس از شکست عثمانیان و تصرف فلسطین از سوی انگلیسیان و حاکم شدن هربرت ساموئل یهودی بر فلسطین، عباس افندی نشان «شوالیه امپراتوری بریتانیا» گرفت و Sir Abbas Effendi شد و شک و شبهه های عثمانیان را به حقیقت نشاناند!

اینجاست که به نکات زیر باید پرداخت:  
۱. آیین بیان خاستگاه خود را دیانت اسلام و مذهب تشیع می داند و این در حالی است که صاحب هیچ عبارت صریحی در آن دیانت و آن مذهب نیست و تنها با تحریف های معنایی و تحریف های لفظی در گزاره های اسلامی و شیعی، باب را قائم آل محمد و مهدی موعود نمایانده است؛

۲. آیین بهائی خاستگاه خود را در دیانت بیان می داند و این در حالی است که صاحب هیچ

عبارت صریحی در آن دیانت نیست و تنها با تحریف های معنایی و تحریف های لفظی در گزاره های بابی، بهاء الله را من بظهره الله موعود نمایانده است؛

۳. بهاء الله در کتاب و حیاتی خود، در آیات قرآن و واژگان عربی و فارسی نادرست نویسی های گوناگون و بسیار دارد، اما پیروانش به درست کردن آنها پرداختند؛

۴. بهاء الله در کتاب و حیاتی خود، به تحریف لفظی و عامدانه روایت های شیعی پرداخته و بخش هایی از آنها را عامدانه انداخته تا آنها را مطابق مقصود خود در دعوت به باب بنمایاند؛

۵. بهاء الله و پیروانش به کشتن مخالفان ازلی خود روی آوردند و جانشین او، عباس افندی، با یهودیان مهاجر به فلسطین رابطه داشت و از حامیان بریتانیایی آنها نشان افتخار درجه اول گرفت.

با این ترتیب، باید گفت که آیین بهائی. که رهبرانش فاقد دانش های ابتدایی دینی بودند و به تحریف های عامدانه می پرداختند و با بیگانگان استعمارگری می ساختند. خانه ای از پایبست و پیران است، چرا که از آیین بیان. که آن را خاستگاه خود می نمایاند. نشأت پس آیین بهائی به گونه ای مضاعف و دوچندان بی اصالت است! پس، اکنون باید پرسید که آیا بهائیت دینی الهی است؟!

برای بررسی مستند بیشتر آنچه آمد، از مکتوباتی چون کتاب «بهائیان» (نوشته سید محمد باقر نجفی)، کتاب «آیین در ایران» (نوشته میرزا یحیی دولت آبادی)، کتاب «مکتب شیخیه» (نوشته سید مقداد نبوی رضوی)، کتاب «هسته مشروعیّت» (نوشته مهدی هادیان)، کتاب «نقدی بر شاه بیت غزل بهائیت» (نوشته مهدی حبیبی)، کتاب «ع ع: مجموعه مقالات پیرامون عباس افندی»، کتاب «تاریخ بی غرض» (نوشته شیخ مهدی شیخ الممالک قمی)، کتاب «تنبیه النائمین» (نوشته عزیه خانم نوری و همکاران: ردیه ای ازلی بر بهاء الله)، مقاله «اظهارات و خاطرات آیت الله حاج شیخ حسین لندکرانی درباره ی باپی گری و بهایی گری» (نوشته علی ابوالحسنی مندر) و دو مقاله «اسنادی درباره نگاه باب به صبح ازل» و «بررسی روش شناسانه کتاب ایقان» (نوشته سید مقداد نبوی رضوی) می توان بهره گرفت. ▶